

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

جو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۲۷ مارچ ۲۰۱۱

نیت و اهداف امپریالیست‌ها در جنگ با لیبیا

قدرت‌مداران جهانی به بهانه دفاع از مردم لیبیا، جنگ دیگری را علیه محرومان این کشور آغاز نموده‌اند. به قول خویش می‌خواهند با جنگنده‌های نظامی و با موشک‌پرانی، آسایش "زمینی" را برای محرومان به ارمغان آورند!! مضحک‌تر از این ممکن نمی‌باشد و نتایج مخرب جنگ عراق و افغانستان و درگیری ملیون‌ها توده محروم این جوامع همچنان از جمله سر تیتروهای بلندگوهای امپریالیستی را تشکیل می‌دهد. چندین سال است که مردم افغانستان و عراق، آزادی‌های اهدائی دولت‌های بزرگ جهانی را با پوست و گوشت خود لمس می‌نمایند و نه از یاد رفتنیست و نه فراموش شدنی. چرا که سرمایه‌داران جهانی خانه‌های‌شان را به ویرانه تبدیل نموده‌اند؛ زیر ساخت‌های جامعه را کاملاً در هم ریخته‌اند؛ بر شدت فقر و فلاکت و بیکاری افزوده‌اند؛ امنیت را به پائین‌ترین درجه ممکن رسانده‌اند و کسی در این میان از فردای خود نمی‌داند. همه این‌ها سوغاتی امپریالیست‌ها برای مردم عراق و افغانستان بوده و می‌باشد و به اصطلاح مقصود دولت‌مردان در آن بود که "آزادی"‌های به اسارت گرفته شده ملیون‌ها توده رنج‌دیده را به آنان باز گردانند!!

با این اوصاف نیازی به حدس و گمانه زنی‌ها نیست و پیشاپیش می‌توان نتایج مخرب جنگ لیبیا و لشکرکشی‌های امپریالیست‌ها را ترسیم نمود. مشخص است که این جنگ نمی‌تواند به کار ملیون‌ها انسانی که در زیر سیاست‌های سرکوب‌گرانه قذافی، زندگی‌شان بر باد رفته است، آید. همچنین آشکار است که عدم حقانیت قذافی به معنای حقانیت جنایت‌کارانی همچون کامرون، اوپاما، سارکوزی و غیره نیست. چرا که همه این‌ها سر و ته یک کرباس‌اند و نیت‌شان، چپاول و تسلط هر چه بیشتر و درازمدت‌تر، بر منابع طبیعی این کشور و تخطئه اعتراضات مردمی‌ست. واقعیت این است که خانه تکانی سیاسی جوامع شمال افریقا، بر هوشیاری سرمایه‌داران جهانی افزوده و آنانرا وادار نموده است تا به منظور کنترل جنبش‌های اعتراضی و امنیت بیشتر چاه‌های تولیدی، چاره‌جویی نمایند و اجازه ندهند تا ماشین سوددهی این کشورها، دچار اختلال و مشکلات گردد. همین چند روز قبل بود که اوپاما تأکید داشت اگر چه ما خواهان "دموکراسی" و "آزادی" برای این جوامع می‌باشیم؛ اما هدف اصلی ما، تأمین و امنیت منابع طبیعی و تولیدات نفتی‌ست. به راستی که این همه وظایف‌شانرا تشکیل می‌دهد و هدف‌شان کنترل مطلوب‌تر چاه‌های

سوددهی است و نمی‌خواهند در تولیدات نفتی هفتمین کشور جهان، اخلاقی به وجود آید و منفعت سرمایه‌داران جهانی به خطر افتد.

دروغ می‌گویند که پرواز جنگنده‌های‌شان در حمایت از مردم لیبیاست؛ دروغ می‌گویند که هدف از موشک‌پرانی، تخریب پایگاه‌های سرکوب قذافی است. صدها نفر در لیبیا و در اثر موشک‌باران دولت‌مردان جهانی جان‌شانرا از دست داده‌اند و صدها خانه محرومان با خاک یکسان شده است. می‌خواهند همان سیاست تخریب زیر ساخت‌های کویت، عراق و افغانستان را در این کشورها پیاده نمایند و در فردای بعد از تخریب، به بازسازی آن‌ها بپردازند؛ بازسازی که کار و کسب شرکت‌های ساختمانی، راه‌سازی، پل‌سازی و غیره امپریالیستی را رونق خواهد بخشید و بالطبع کمکی به نظام اقتصادی دولت‌مردان جهانی است. جنگ برای امپریالیست‌ها سودمند است و نقش چند گانه دارد. آزمایش و فروش سلاح‌ها و همچنین ایجاد پایگاه‌های متفاوت و دخالت مستقیم در ترمیم خرابی‌های بعد از جنگ، به کار اقتصاد در مانده و فرتوت‌شان خواهد آمد. این‌ها از زمره اهداف پلید امپریالیست‌هاست و مشاهده شده است که جنگ بر افروخته شده و لشکرکشی‌ها به کشورهایی همچون عراق و افغانستان در خدمت به چنین سیاست و منفعتی سازمان یافته است و بالطبع راه‌اندازی جنگ و موشک‌پرانی‌های لیبیا هم نمی‌تواند در خلاف سیاست‌های تاکتونی امپریالیست‌ها باشد و اصلاً و ابداً با منفعت مردمی نزدیکی ندارد.

در حقیقت منفعت مردم در تداوم اعتراض، علیه حکومت‌های حامی‌شان نهفته می‌باشد. اعتراضی که گام به‌گام خواسته‌های معترضان را رادیکال‌تر و گام به‌گام آنانرا به مطالبات پایه‌ئی‌شان نزدیکتر خواهد نمود. پر واضح است که چنین روش و سیاستی تضمین‌کننده منافع واقعی ملیون‌ها توده رنج‌دیده شمال افریقا و از جمله مردم لیبیاست. به بیانی، آرمان سرمایه‌داران، تحقق آزادی و به رسمیت شناختن حقوق پایه‌ئی انسان‌ها و راه‌اندازی انقلاب نیست. آنان به دنبال "انقلاب" از نوع خوداند و از گسترش اعتراضات خودجوش مردمی وحشت دارند. بحث و همه هدف‌شان کنترل و آرامش بخشیدن اعتراضات بدون رهبری است. بی دلیل هم نیست که می‌گویند، عناصر وابسته به خود را به این جنبش‌ها تحمیل می‌نمایند تا مبادا روزی اعتراضات مردمی مسیر طبیعی و حقیقی خود را باز یابد. چرا که دولت‌مردان جهانی، اعتراضاتی از نوع خود را می‌خواهند و قصدشان سازمان‌دادن تحریکات منطبق بر منافع خودی است. بیهوده هم نبوده و نیست که هر دولتی در راه‌اندازی سریع‌تر جنگ اصرار داشت و بیهوده هم نبوده و نیست که هر دولتی در تلاش است تا بر منابع طبیعی لیبیا، جنگ بیشتری اندازد و جناح‌های رقیب را از آن کشور پس زند. با این تفاسیل مگر می‌توان جنگ آنانرا به حساب جنگ مردم با دولت‌های سرکوبگر و مرتجع منطقه خاورمیانه و شمال افریقا گذاشت؟ مگر می‌توان لحظه‌ای تردید داشت که به اصطلاح مدافعان امروزی مردم از زمره مدافعان دیروزی و واقعی سرکوبگرانی همچون قذافی، مبارک، بن علی و امثالهم نبوده و نمی‌باشند. به زعم آنان، "دنیای نوین" نیازمند بازنگری و باز تعریف است و انجام آن هم بدون جنگ و لشکرکشی و خون و خون‌ریزی و جابه‌جائی حاکمان کنونی ناممکن می‌باشد. به راستی که این چه جامعه و دنیای مدافع حقوق مردمی است که از یک‌طرف نظاره‌گر مرگ هزاران تن از توده‌های افریقائی توسط دولت‌های سرکوبگر و وابسته می‌باشد و از طرف‌دیگر پرچم اعتراض و مخالفت را در دست نمی‌گیرد؟!

در پرتوی چنین اعمال و واقعیاتی است که تأکید می‌شود، جنگ آنان، جنگ مردم نیست و بنابه تجارب تاکتونی و موجود است که اعلام می‌گردد جنگ آنان بر سر تصاحب هر چه بیشتر منابع طبیعی کشورهایی همچون لیبیا و کنار زدن جناح‌های رقیب است. از این‌دست نمونه‌ها در دنیا فراوان‌اند و روز به روز اضافه‌تر هم می‌گردد. مشاهده شده است که هم تخریب زندگانی و زیر ساخت‌های جامعه برای آنان سوددهی دارد و هم دوران بازسازی بعد از جنگ.

در هر دو دوره این سرمایه‌داران جهانی‌اند که از زمره برندگان واقعی‌اند. بنابراین توضیح حقیقی ماهیت و اهداف امپریالیست‌ها برای افکار عمومی و متعاقباً بر ملا نمودن سیاست‌های دولت‌مردان جهانی و مهم‌تر از همه این‌ها، با سامان بخشیدن فعالیت‌های روشن و عملی کمونیست‌ها و همه مدافعان منافع مردمی در جامعه خودیست که می‌توان، دامنه نقشه‌های شوم و آتی امپریالیست‌ها را محدود ساخت و مانع تعرض هر چه وسیع‌تر و گسترده‌تر آنان علیه کارگران و زحمت‌کشان گردید. متأسفانه جنبش‌های اعتراضی مردمی در همه‌جا، از نقیصه و فقدان رهبری سالم و رادیکال رنج می‌برد و بی دلیل هم نیست که سرمایه‌داران جهانی بدون کمترین مانع جدی، مصر بر تحقق سیاست‌های چپاول‌گرایانه خود در شمال آفریقا، خاورمیانه و خلاصه در سرتاسر جهان‌اند.

خلاصه کلام این‌که وقت تصفیه حساب‌های جدی سازمان‌های کمونیستیست؛ وقت دخالت‌گری‌های عملی و فعالیت مستقیم به منظور کنترل اوضاع جامعه و اعتراضات مردمیست؛ وقت ترکاندن پوسته‌های تشکیلاتی بی‌محتوا و خیز به سمت بسیج و هدایت جنبش‌های اعتراضی علیه سرمایه‌داران جهانی و دولت‌های دست‌نشانده شان می‌باشد؛ و بالاخره وقت نشان دادن یگانه آرمان کارگران و زحمت‌کشان است. در حقیقت اثبات حقانیت کمونیسم و پس زدن مخالفان طبقاتی ملیون‌ها انسان محروم با اتخاذ چنین سیاست‌هایی گره خورده است و بی‌تردید بدون انجام وظایف عملی و روزانه کمونیست‌ها و انقلابیون، سرمایه‌داران بر حیات خود قوام خواهند بخشید و جنبش‌های اعتراضی را یکی پس از دیگری به عقب خواهند راند.